

باستان‌شناسی ایلام

دنیل تی. پاتس

ترجمه
زهرا باستی

تهران

۱۳۸۵



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

Potts, Daniel T.

پاتس، دانیل

باستان‌شناسی ایلام / دانیل تی. پاتس؛ ترجمه زهرا باستی. — تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۵.

دوازده، ۷۱۲ ص.؛ مصور، جدول. — (سمت؛ ۱۰۱۳. باستان‌شناسی؛ ۲۴)

ISBN 964-530-062-2

بها: ۴۹۵۰۰ ریال.

عنوان اصلی: *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, 1999.

کتابنامه: ص. ۶۷۹-۷۱۲.

۱. عیلام — آثار تاریخی. ۲. عیلام — تاریخ. الف. باستی، زهرا، مترجم.

ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ج. عنوان.

۹۵۵/۰۱۲۲

۲ ب ۲ پ / ۱۸۴ DSR

۱۳۸۵

م۸۵.۱۱۱۱۳

کتابخانه ملی ایران

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)



The Archaeology of Elam; D. T. Potts; Cambridge, Cambridge University Press, 1998.

باستان‌شناسی ایلام

ترجمه زهرا باستی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۵

تعداد: ۲۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قیمت ۴۹۵۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

آدرس ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبروی پمپ گاز، کدپستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵.

www.samlac.ir

info@samlac.ir

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و جز اینها برای «سمت» محفوظ است (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

سخن «سمت»

یکی از اهداف مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاهها بوده است و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنای و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گامهایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» را که به اختصار «سمت» نامیده می شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم پردازد و در هر کدام از رشته های علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن، باید به تدریج و پس از انتقادهای و یادآوریهای پیاپی ارباب نظر به دست آید و انتظار دارد که این بزرگواران از این همکاری دریغ نورزند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته باستان شناسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «باستان شناسی و هنر ایلام» به ارزش ۲ واحد ترجمه شده است. امید می رود که علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه مندان نیز از آن بهره مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه نویسنده بر ترجمه
۳	پیشگفتار و سپاس گزارها
۱۱	یادداشت‌هایی بر شیوه‌های ترجمه و تاریخ‌گذاری
۱۲	باستان‌شناسی ایلام
۱۳	فصل اول: ایلام: ماهیت، زمان، مکان؟
۱۳	ایلام چیست؟
۱۸	ایلام از چه زمانی وجود داشت؟
۲۰	ایلام در کجا بود؟
۲۵	نتیجه‌گیری
۲۷	فصل دوم: محیط‌زیست، آب و هوا و منابع
۲۷	پیشگفتار
۲۹	سرزمین مرتفع ایلام: منطقه زاگرس مرکزی
۳۵	دشت ایلام: خوزستان: شرایط زیست‌محیطی فیزیکی، آب و هوا و آب‌شناسی
۴۱	نظام‌های بومی برای طبقه‌بندی زیست‌محیطی
۴۲	شرایط اقلیمی گذشته و اکنون
۴۷	نخستین تأثیرات بشر بر محیط زیست
۵۰	منابع طبیعی
۷۷	نتیجه‌گیری
۷۸	فصل سوم: نخستین پیشگامان ایلام
۷۹	مقدمه

۸۲	خاستگاههای شوش: دوره شوش I
۸۹	دوره باکون جدید در فارس
۹۲	دوره شوش II
۱۱۵	فارس در طول مرحله باننش
۱۱۷	شوش III
۱۲۸	فارس در مرحله باننش میانه و جدید
۱۳۱	نظام نگارش شوش III در فلات ایران
۱۳۴	نتیجه گیری
۱۳۶	فصل چهارم: ایلام و اوان
۱۳۷	مقدمه
۱۳۷	نخستین منابع خط میخی
۱۴۶	ایلام و اوان در دوران سلسله قدیم
۱۴۸	مرکز غرب زاگرس
۱۵۰	پیشرفتهای شمال خوزستان
۱۵۱	شوش در دوره پیش از اکدی هزاره سوم ق.م
۱۵۶	آیا اوان در لرستان است؟
۱۵۷	مواد فرهنگی ماورای ایلام و ماورای ایلامی
۱۶۰	سارگون اکدی
۱۶۵	ریموش
۱۶۸	منیشوسو
۱۶۹	نرام - سین
۱۷۲	شرکلی شری
۱۷۲	دودو
۱۷۳	سیاستهای اکدیها و شوشان
۱۷۷	شوش در دوره اکد قدیم
۱۹۱	سقوط اکد
۱۹۲	پوزور - اینشوشینک و دوران او
۱۹۸	پوزور - اینشوشینک و ایلامی خطی
۲۰۰	حکومت فرعی اوان در زمان پوزور - اینشوشینک؟

۲۰۵	فصل پنجم: سلسله شیماشکی
۲۰۶	شوش، اتشان و سلسله سوم اور
۲۲۲	فروپاشی سیاسی و پیدایش شیماشکی
۲۳۸	برخی همبستگیهای باستان‌شناختی
۲۴۵	نتیجه‌گیری
۲۵۰	فصل ششم: نایب‌السلطنه‌های بزرگ ایلام و شوش
۲۵۱	پیشگفتار
۲۶۱	آشور، بابل و سوکل مخ
۲۷۱	خوزستان در زمان سوکل مخها
۲۸۱	دیلمون، مگن، باختر و ایلام
۲۸۵	مکانهای فارس
۲۸۸	نتیجه‌گیری
۲۹۳	فصل هفتم: پادشاهی شوش و اتشان
۲۹۵	پیشگفتار
۲۹۹	ایلام میانه I (حدود ۱۵۰۰-۱۴۰۰ ق.م)
۳۰۴	استقرارگاه ایلام میانه I در شوش و مکانهای کوچک در خوزستان
۳۰۷	هفت‌تپه
۳۲۰	ایلام میانه II (حدود ۱۴۰۰-۱۲۰۰ ق.م)
۳۴۴	چغازنبیل
۳۵۵	پس از اونتش - نیریش
۳۵۷	ایلام میانه III (حدود ۱۲۰۰-۱۱۰۰ ق.م)
۳۸۴	تحولات به وقوع پیوسته در اتشان
۳۹۱	انتقام بابلها و پایان عصر ایلام میانه
۳۹۶	نتیجه‌گیری
۳۹۹	فصل هشتم: دوره ایلام نو
۴۰۰	مقدمه

۴۰۳	دوره ایلام نو I (حدود ۱۰۰۰-۷۴۴ ق.م)
۴۰۶	ایلام نو II (۶۴۶-۷۴۳ ق.م)
۴۴۹	ایلام نو III (۵۳۹-۶۴۷ ق.م)
۴۶۹	نشانه‌های ایلام نو در بیرون از شوشان و انشان
۴۷۶	سرنوشت ایلامیان
۴۸۰	فصل نهم: ایلام در شاهنشاهی هخامنشی
۴۸۱	مقدمه
۴۸۱	ایلام در اوایل دوره هخامنشی
۴۸۸	ایلام در دوران داریوش اول
۴۹۶	سازمان اداری ایلام در زمان داریوش
۵۰۱	داریوش در شوش
۵۱۶	کاخ اردشیر اول و داریوش دوم
۵۱۹	کاخ اردشیر دوم
۵۲۰	هویت قومی و فرهنگی در ایلام دوره هخامنشی و پیرامون آن
۵۳۱	مذهب ایلامیان در مرکز حکومت هخامنشی
۵۳۵	ایلام در زمان داریوش سوم
۵۴۰	نتیجه‌گیری
۵۴۴	فصل دهم: الیمای
۵۴۵	مقدمه
۵۴۶	الیمائیس و جانشینان سلوکی
۵۵۰	جنوب غرب ایران در دوره سلوکی
۵۵۲	شوش
۵۶۸	مسجد سلیمان
۵۷۲	کسه‌ایها
۵۷۶	الیماییها
۵۹۰	الیمائیس و شاهنشاهی پارتی
۶۰۱	الیمائیس و شوش در دوره پارتی
۶۱۶	نقوش برجسته الیمایی
۶۲۱	نتیجه‌گیری

۶۲۵	فصل یازدهم: ایلام در زمان ساسانیان و پس از آن
۶۲۵	مقدمه
۶۲۸	ایلام در اوایل دوره ساسانی
۶۳۸	استقرارگاههای مهم دوره ساسانی در خوزستان
۶۳۹	گندیشاپور
۶۴۸	اران - خوزّه - شاپور - شهرستان و پایتخت آن
۶۵۰	شوش ار - کر یا شوش
۶۵۶	نتیجه گیری
۶۶۱	فصل دوازدهم: نتیجه گیری
۶۶۲	کوتاه مدت
۶۶۶	درباره مراکز، حومه و نواحی آمیخته
۶۷۰	قومیت و مبحث مبادی نژادها
۶۷۲	تاریخ و باستان شناسی
۶۷۵	پیشرفت ایلام
۶۷۷	مطالبی که هنوز نوشته نشده است
۶۷۹	منابع

پیشگفتار مترجم

منطقه جنوب غربی ایران، در مطالعات باستان‌شناسی ایران در ادوار مختلف و به ویژه دورانهای آغاز تاریخی، شهرنشینی اهمیت ویژه‌ای دارد. فعالیت‌های باستان‌شناسی نسبتاً فراوانی از حدود ۱۵۰ سال پیش در این منطقه انجام شده است. در منابع بین‌النهرین، مربوط به نیمه هزاره سوم ق. م از این سرزمین با نام ایلام یاد شده است. تمدن ایلامی که به رغم پژوهش‌های انجام شده هنوز اطلاعات چندانی از خاستگاه و فرجام آن، روابط آن با دیگر فرهنگ‌های مناطق همجوار همچون بین‌النهرین و فلات ایران، و تأثیر و تأثر آن بر تمدن‌های پس از ایلام در دست نداریم. کتاب حاضر آخرین تلاشی است که در این موضوع به رشته تحریر درآمده و با وجود برخی مشکلات و کاستی‌های اثری ارزشمند و مفید در باستان‌شناسی ایلام محسوب می‌شود. نویسنده کتاب دنیل پاتس، باستان‌شناس استرالیایی به خوبی توانسته است با استناد به آخرین کشفیات باستان‌شناسی و دیگر مدارک فرهنگی و زبان‌شناختی طرح و روایت جدیدی از فرهنگ و تمدن ایلام ارائه نماید. این اثر از پیش از تاریخ تا صدر اسلام را دربر می‌گیرد و در آن ایلام و ایلامیان نهاد سیاسی مستقلی به شمار آمده‌اند که پیش از جذب شدن در شاهنشاهی وسیع هخامنشیان، قدرت بزرگ و توانمندی در برابر بین‌النهرین و نواحی دیگر بودند.

در پایان هر فصل کتاب چکیده و نقشه‌هایی روشن از محوطه‌های باستانی آمده است. نویسنده گذشته از نکات باستان‌شناختی بر جنبه‌های تاریخی و فرهنگی نیز تأکید ورزیده و نمونه‌هایی از هنر سفالگری، پیکرتراشی، مهر، نقوش برجسته، گل‌نبشته، سنگ‌نبشته، عاج، سکه، اشیاء تدفینی و معماری ارائه داده است. ویژگی بارز این تحقیق، جامعیت و دامنه گسترده آن در جستجوی منشأ و تأثیر ایلام بر فرهنگ و تمدن‌های پیرامونش است.

با توجه به اندک بودن منابع فارسی درباره ایلام و اهمیت و جایگاه این سرزمین،

خط و مردم آن در تاریخ تمدن ایران و دیگر نواحی همجوار، که تا کنون توجه درخوری بدان نشده است، و به سبب ضرورت جای دادن این بحث بنیادی در واحدهای درسی رشته باستان‌شناسی و تاریخ، دوست ارجمند، آقای دکتر کامیار عبدی، ترجمه این اثر را به مترجم پیشنهاد کردند و گروه باستان‌شناسی سازمان مطالعه و تدوین «سمت» از انتشار آن استقبال کرد. اما برگردان کتاب به فارسی، گذشته از وجود برخی دشواریهایی که مترجم در مقدمه خود بر ترجمه کتاب باستان‌شناسی غرب ایران مطرح ساخته است، با مشکل فراوانی نامهای خاص اکدی و ایلامی که هنوز شیوه معیاری برای قرائت و فارسی‌نویسی آنها تعیین نشده است و اسامی برخی گونه‌های جانوری و گیاهی ناآشنا روبه‌رو بود. یافتن صورت نوشتاری و معادلهایی درست و گویا کاری بس طاقت‌فرسا و وقت‌گیر بود که با تکیه بر منابع در دسترس، الگوگیری از معادلهای موجود و کارهای پیشین متخصصان در زبان فارسی، شیوه نگارش نویسنده، و در آخر با جستجو در پایگاههای اطلاع‌رسانی، در حد امکان انجام شد. در رفع این معضل از مشاوره سخاوتمندانه استاد باستان‌شناس و پژوهشگر گرانقدر، آقای ناصر نوروززاده چگینی، بهره جستیم که ضمن خواندن متن ترجمه و ارائه نظرهای ویرایشی سودمندشان، با دقت بسیار بخش قابل ملاحظه‌ای از واژگان و نامهای جدولها را به فارسی برگرداندند. بی‌تردید، حضور و همکاری همه‌جانبه و مستمر ایشان دشواریها و خطاها را کاست و به ترجمه اعتبار بخشید. عزیزان سختکوش «سمت»، به خصوص خانمها آفاق عابدینی، افسانه علیزاده و اعضای محترم بخش چاپ و نشر با مهربانی و دقت، نهایت تلاش را در تولید اثر نمودند و با سرعت و پیگیری، زمان طولانی صرف‌شده در قرائت نامها و معادل‌یابی واژگان را جبران کردند. همچون کارهای گذشته‌ام، مهر و پشتیبانی بی‌پایان و لحظه به لحظه خانواده‌ام، به ویژه شکیبایی فرزندانم سیاوش و آرش، راهبرم بوده است. با استادم دکتر کتایون مزدپور، او که مثل هیچ‌کس نیست، هرگز جا نمانده‌ام.

متن حاضر حاصل یاری این عزیزان و دیگر دوستان و استادان است که چیزی برای پیشکش به حضورشان ندارم مگر سپاس عمیق و خضوع صمیمانه‌ام.

زهراباستی

بهار ۱۳۸۵

مقدمه نویسنده بر ترجمه

نخستین بار که از خبر ترجمه کتابم به فارسی مطلع گشتم، بسیار خوشحال شدم. از سال ۱۹۹۵ که اولین دیدارم از ایران بود تا سال ۱۹۷۵ که دانشجوی بودم و برای آخرین مرتبه در تپه یحیی حفاری کردم، روز به روز دوستان ایرانی بیشتری یافته‌ام که بسیاری از آنها در سازمان میراث فرهنگی فعالیت می‌کنند و برخی نیز بیرون از این سازمان‌اند. از این روی اطلاع از این مطلب برایم مهم بود که علی‌رغم دشواری دستیابی به نسخه اصلی کتابم در ایران، برگردان فارسی آن بی‌درنگ در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. مایل‌م از ناشران برای چاپ مجدد آن به فارسی و بیش از همه از تلاش سخت مترجم کتاب خانم زهرا (نیلوفر) باستی در ترجمه آن سپاس‌گزاری کنم.

به رغم این واقعیت که پژوهشگران بیش از یک قرن است که ایلامیها را می‌شناسند برای خواننده‌ای با اطلاعات نه‌چندان زیاد این مردم تقریباً ناشناخته‌اند. گذشته از این، حس هویت ملی ایرانیان به حدی قوی است که شاید به حق بتوان گفت که ایرانیان انگشت‌شماری ایلامیها را در زمره نیاکانشان قرار می‌دهند. با این حال، نمی‌توان انکار کرد که ایلامیها یکی از مهم‌ترین گروههای ساکن در جنوب غرب ایران در دوره‌ای پیش از ظهور شاهنشاهی پارسیان بودند و، اگر دلیل دیگری هم در کار نباشد، به همین دلیل برای درک کامل توسعه‌های فرهنگی در استانهای خوزستان و فارس امروزی لازم است مدارک باستان‌شناختی و تاریخی میراث تقریباً ۳۰۰ ساله آنان را بررسی کنیم. افزون بر این، پژوهشهای باستان‌شناختی جاری نشان که تأثیر سیاسی و فرهنگی ایلام در دوران متفاوتی تا نواحی دوردست شمال در لرستان و مناطق بختیاری، در جنوب تا سواحل خلیج فارس و در مسیر شرق به سوی کرمان، سیستان، خراسان و آسیای مرکزی گسترش یافت. از این روی، بدون

شناخت ایلامها قادر به شناخت ایران باستان نخواهیم بود.

بیشتر اطلاعات ما از تاریخ سیاسی ایلام ناگزیر از فیلتر عدسی کتبه‌های خط میخی بین‌النهرینی گذشته است. اما این به تنهایی کافی نیست. کشفیات اخیر در جیرفت مسلماً توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. در این مرحله هنوز اطلاعات اندکی از ارتباط موجود بین این منطقه - که اینک با اطمینان با مارهاشی در منابع خط میخی یکی دانسته شده است - و ایلام در دست است. عملیات آتی در فارس و خوزستان و حفاریهای در دست اقدام در جنوب شرقی ایران بی‌تردید بسیاری از شکافهای موجود در شناخت ارتباط ایلام با مناطق شرقی از جمله ملوه (دره سند یا تمدن هاراپایی) را پر خواهد کرد. همچنین، هر چه محوطه‌هایی چون گنور تپه^۱ و توغولوک تپه^۲ در آسیای مرکزی بیشتر حفاری شوند، ارتباط ایلام با همسایگان شمال شرقی فلات ایران را بهتر درک خواهیم کرد. در آخر موضوع نحوه ادغام نخستین فارسی‌زبانان با جهان ایلامیان در سده‌های هفتم / ششم قبل از میلاد و ظهور شاهنشاهی پارسی از محیطی ایلامی یا انشانی، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های پژوهشی آینده به شمار می‌رود. هیئتی مشترک از ICHO و دانشگاه سیدنی از سال ۲۰۰۳ در تل نورآباد و تل سفید در غرب فارس مشغول به حفاری بوده است که امید است پرتوی بر این سؤالات بیفکنند. عملیات جاری در ناحیه مرکزی ایلام در سالهای آتی مطمئناً پرسشهای جدیدی را ایجاد خواهند کرد که تحقیق درباره ایلام را چون همیشه مهم خواهد ساخت. امیدوارم اندیشه‌ها و اطلاعات گرد آمده در این کتاب برای پژوهشگران بیشتری در ایران انگیزه‌ای فراهم سازد تا به بسیاری از مشکلات مطرح در اینجا بپردازند، زیرا ایلام کماکان یکی از مهم‌ترین فرهنگهای بومی در تاریخ بلند و پیچیده ایران است.

دنیل تی. پاتس

سیدنی

۱۷ می ۲۰۰۴

پیشگفتار و سپاس گزارها

تردیدی نیست که در میان همه اجزای سازنده اصلی خاور نزدیک باستان پرداختن به ایلام دشوارتر است. برای بیشتر محققان دنیای قدیم، ایلام مکانی دور و تا حدی عجیب است - سرزمینی که تلفظ نامهایش دشوار است، محوطه‌های ناآشنا، زبانی نامفهوم و مردمانی نسبتاً وحشی در شرق بین‌النهرین دارد. ایلامیها که به طور متناوب زیر سلطه بین‌النهرینیها بودند، یا تا حد امکان با جدیت سعی در برانداختن آن داشتند، هزاران سال در آثار باستانی و منابع مکتوب حضور داشته‌اند. آنها با تهاجمات بیگانگان مقابله کردند، متحدانی محلی یافتند که جزئیات اندکی در خصوص آنان در دست است و در آثار مکتوب همسایگان غربی‌شان ظاهر شدند، اما در کتیبه‌های خودشان چیز زیادی از خود بیان نکردند. باستان‌شناسان و تاریخ‌نویسان آگاهانه یا ناآگاهانه لشکرکشیهای آشوریان درنده‌خو علیه ایلامیان در سده هفتم ق.م را آخرین فصل تاریخ پرفراز و نشیب آنان، و روی کار آمدن هخامنشیان را سپیده‌ای نو در دوران باستان ایران قلمداد کرده‌اند که پیام‌آور آغاز عصری دیگر بود. با این حال، ایلامیان و زبان آنان در دوران پس از ایلامی، یعنی «پارسی» ظاهر می‌شوند. ایلامیان در متون تاریخی مربوط به اسکندر و جانشینان سلوکی وی حضور دارند. آنها در قالب الیمایی برای کسب استقلال با سلسله پارتی پیکار کردند و «ایلام» در اوایل قرون وسطی نام حوزه دینی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های مسیحیت شرقی یعنی کلیسای نستوری شد. علاقه‌مندان به پیدایش هویت و قومیت در گذشته یا حال، داستان ایلام را قصه تودرتویی با تعاریف دائماً متغیر از آنچه قرار بود ایلامی باشد خواهند یافت، که درک اندک اطلاعات به جای مانده از آن در مجموعه متنوع مدارک باستان‌شناختی و کتیبه‌ها به دشواری داستانهای دیگر خاور نزدیک باستان

است. تاریخ‌نویسان، جامعه‌شناسان، نظریه‌پردازان اجتماعی و انسان‌شناسان برجسته بسیاری به تازگی به تحقیق درباره خودآگاهی و هویت ملی و قومی پرداخته‌اند (مثلاً Nash, 1998; Hobsbawm and Ranger, 1983; Hobsbawm, 1999; Fullbrook, 1993; Teich and Porter, 1993; Gillis, 1994; Pickett, 1996; Ross, 1996; Bischof and Pelinka, 1997). بدین ترتیب هیچ تردیدی برای ما برجا نمانده است که اینها ساخته و پرداخته اجتماع و بسیار تغییرپذیرند. امیدوارم زمانی که خواننده به پایان این کتاب می‌رسد گذشته از ساخت صرفاً تصنعی «ایلام» این مفهوم نیز روشن گردیده باشد که در طول زمان ایلامهای متعددی ساخته شدند که حتی دوتای آنها به لحاظ فرهنگی، سیاسی یا جغرافیایی احتمالاً همانند نبودند. هر دوره را - هر کدام در خود ساخت تصنعی پژوهشگران جدید را دارد - ایلامی که در منابع مکتوب خارجی آمده است (در آغاز سومری و اکدی، سپس یونانی لاتین، سومری، غیره)، ایلامی با منابع باستان‌شناختی و مکتوب بومی، و ایلامی با تاریخ‌نگاری سده بیستم مشخص می‌کند. علت اینکه تصمیم گرفتم در عنوان این تحقیق از شکل‌گیری و تغییر شکل ایلام سخن بگویم، دقیقاً تغییرپذیری ایلام در طول زمان بوده است، موجودیتی که شرکت‌کننده‌های کهن در اجتماع فرهنگی و زبان‌شناختی ایلامی، نظاره‌گران باستانی ایلامیها، و دانشجویان جدید این رشته آن را ساخته و مرتباً در برابرش واکنش نشان داده بودند.

«اشتیاق مفرط به سنتز» در هنری بر^۱ تاریخ‌نویس فرانسوی در سال ۱۹۰۰ او را به پایه‌ریزی گزارش‌فرمانه‌ای تاریخ رهنمون شد (Keylor, 1975:133; cf. Müller, 1994: xvi-xvii). همان‌طور که علاقه شدید به تاریخ کلی سرانجام لوسین فبور^۲ و مارک بلاش^۳ را بیست سال بعد به تأسیس مجله *Annales d'Histoire Economique et Sociale* واداشت (Lyon, 1987:200). گرچه نه خیال آن را دارم که این اثر را در زمره مطالعات مؤثر فراوان در تاریخ *Annaliste* جای دهم که با شروع انتشار *Annales* در هفتاد سال پیش، سر بیرون آورده‌اند، نه آرزوی پیوستن به کانون باستان‌شناسان تاریخ‌نگار را در سر می‌پرورانم (Bintliff, 1991; Knapp, 1992)، با

1. Henry Berr

2. Lucien Febvre

3. Marc Bloch

وجود این با قاطعیت اعلام می‌کنم که این کتاب به روشنی اثری سنتزی است که با تمام وجود اصول تاریخ کلی را می‌پذیرد، و خشنودم در شمار کسانی قرار گیرم که «افرادی را که در آرزوی پایداری نهادن از محدودیت‌های کارهای مطالعاتی آنان هستند و شوق رسیدن به چشم‌اندازی گسترده را دارند به جلو می‌رانند» (ترجمه Keylor, 1975: 133). از آنجا که معتقد نیستم با خرد کردن ایلام به تکه‌های گاهنگارانه یا با در نظر گرفتن فقط هنرها یا متون آن می‌توان به درک رضایت‌بخشی از آن رسید، کوشیده‌ام تا با استفاده از همه انواع مدارک موجود، معماری، سفال، سکه‌شناسی، رادیومتری، کتیبه، متون ادبی، شرایط زیست‌محیطی، مذهب، قوم‌شناسی و غیره، همه دوران تاریخ ایلام را در این اثر جای دهم. به نظر من، ما به سنتزی که گستره زمانی داشته باشد به اندازه تمرکز تحلیلی ویژه‌ای که گاهی ریزتاریخ خوانده می‌شود، نیازمندیم (Egmond and Mason, 1997). بدون عمق زمانی و گستره موضوعی قادر به نشان دادن نیاز سازماندهی پیاپی ایلام در طول زمان نخواهیم بود. و از آنجا که برای پایان دادن به داستان ایلامها با لشکر کشیهای آشوریان و ظهور شاهنشاهی هخامنشیان هیچ دلیل موجهی نمی‌توانم ببینم، بررسی موجود تا دوران سلوکی، پارتی، ساسانی و اوایل اسلام ادامه می‌یابد که از دیرباز «پس از ایلامی» تلقی شده است. اگر برخی از خوانندگان با این اختصار در باستان‌شناسی و تاریخ ایلام مشکل دارند، لازم نیست زحمت خواندن فصلهای پایانی را به دوش کشند. اما امیدوارم بقیه شاید برای نخستین بار متوجه شوند که داستان ایلام و ایلامها با آشور بانیپال یا به قدرت رسیدن کورش کبیر به پایان نمی‌رسد.

میزان داده‌های ارائه شده در اینجا نشان می‌دهد که تقریباً به تاریخ‌گرایی بومی تن داده‌ام و از موضوع مورد علاقه سنتی باستان‌شناسان با روندهای بلندمدت و ریخت‌شناسی اجتماعی، دست شسته‌ام. مطمئنم گرفتار اولی نشده‌ام، اما صراحتاً می‌پذیرم که از دومی پرهیز کرده‌ام. مقدار جزئیاتی که در برابر خوانندگان این کتاب است در بحثهای خلاصه شده در فصل دوازدهم ضروری است، با این حال، گرچه دیدگاه تاریخ کلی را در این تحقیق پذیرفته‌ام، بار د مفهوم بلندمدت آن را به پایان می‌برم. اما این دیدگاههای نظری‌تر تا حد زیادی به پیشگفتار و نتیجه‌گیری این

کتاب محدود می‌شود و خوانندگان بی‌هراس از یافتن خویش در نبردگاه ایدئولوژیک شیوه تاریخی به فصلهای میانی راه می‌یابند. این علت وجودی این کتاب نیست بلکه بررسی ایلام در جلوه‌های بسیارش است، گرچه آن بررسی نیز به نظرم پرسشهای مهمی را درباره نحوه تفسیر گذشته مطرح می‌سازد.

اما جدا از علاقه به خلق تاریخ کلی ایلام، دلیل مهم دیگری برای نوشتن اثری سنتزی از این دست وجود دارد. اگر ایلام امروزه دقیقاً واژه‌ای خانگی نیست، پس بیشتر محضول دو مشکل زبانی مهم است تا بازتاب نقش آن در دوران باستان. زیرا از یک سو، مشکلات موجود در زبان ایلامی متون آن را برای ترجمه و تفسیر، دشوارتر از متون سومری، آشوری یا بابلی - همچنین متون یونانی و رومی - کرده است. از سوی دیگر، این واقعیت که شاید دو سوم پژوهشها در زمینه ایلام را به فرانسوی و آلمانی نوشته‌اند بدین معناست که دانشجویان انگلیسی‌زبان و به‌ویژه افراد عامی فقط به تعداد انگشت‌شماری مطالب چاپ شده دست اول و دوم دسترسی دارند. این مشکل به مطالعات ایلامی منحصر نمی‌شود، بلکه با تدریس باستان‌شناسی و تاریخ اولیه ایلام گهگاه در هفده سال گذشته، روز به روز برایم روشن‌تر شده است که این موضوع در اصل دشوارتر از مثلاً باستان‌شناسی امریکای شمالی یا استرالیا است. دقیقاً به این دلیل که دانشجویانی که به ایلام می‌پردازند چنانچه به متون موجود به زبان انگلیسی محدود شوند فقط به چشم‌انداز ناقصی از این موضوع دست خواهند یافت. مسلماً منظورم این نیست که هیچ اثر معتبر قابل فهمی درباره ایلام به انگلیسی وجود ندارد. اما این نکته حقیقت دارد بگوییم که آن مطالعات سنتزی حجیم کتاب که تاکنون به انگلیسی نوشته شده است (مثلاً، Cameron, 1936; Hinz, 1972; Carter and Stolper, 1984) تقریباً مطلب را در این موضوع تمام نکرده‌اند. هیچ‌یک از آنها را ابداً نمی‌توان به روز دانست و هر یک با به قدرت رسیدن شاهنشاهی هخامنشیان و نادیده گرفتن بیش از یک هزار سال تاریخ ایلام پس از آن کار را به پایان رسانده است. به رغم نامحتمل بودن انجام کار میدانی باستان‌شناختی در ایران امروز، مجلات همه‌ساله پیوسته بررسیهای متعددی از نوع

ریزتاریخی مربوط به ایلام دریافت و منتشر می‌کنند. اما مانند هنری بر به جز انتقاد از بسیاری از نویسندگان معاصر *Elamitica* کاری نمی‌توانم انجام دهم که از حمایت و نشان دادن اینکه «چطور از موارد مبهم، حاشیه‌ای یا عجیب می‌توان برای پرداختن به موضوعات تاریخی مهم استفاده کرد» (Egmond and Mason, 1997: 2-3) با سرسختی اکراه می‌ورزند. در صورت نبود سنتزهای محکم و خواندنی که بتوان با آنها این موضوع را تدریس کرد، بررسی ایلام دیرزمانی در جهان نخواهد پایید. من کوشیده‌ام در اینجا چنین بررسی‌ای را بنگارم. در تلاش برای هدایت خوانندگان ناآشنا با ایلام از راه پیچیده مواد جمع آمده، در آغاز هر فصل چکیده‌ای ارائه داده‌ام که خلاصه کوتاهی از موضوع مورد بحث است؛ نقشه‌های مقدماتی مکانهای یادشده در هر فصل را نشان می‌دهد؛ و جدول چکیده‌ای در پایان هر فصل قرار داده‌ام که نقاط جذاب اصلی دشتها، بلندیها، بین‌النهرین و موجودیت «ایلام» را در هر دوره برجسته می‌نماید و داده‌های مرتبطی را برای آشنایی با گاهنگاری آن می‌افزاید. این کتاب را در دانشگاه سیدنی نوشتم، آنجا که به دانشجویان استرالیایی دوره لیسانس ایلام را تدریس می‌کردم. بیشتر منابع کتابخانه‌ای من از کتابخانه فیشر^۱ فراهم آمده است. این کتابخانه گرچه بی‌تردید بهترین برای مطالعه‌ای این‌چنینی در استرالیاست، با کتابخانه‌های بزرگ اروپا و امریکا قابل مقایسه نیست. گرچه گاهی باید شعار آبی واربرگ^۲ را بپذیریم که «خداوند در نکات ریز وجود دارد» (Egmond and Mason, 1997: 2) باید بیاموزم که بدون آن و با تأسف از نداشتن آن، کار را انجام دهم. با وجود این، کاملاً راغب بودم که از طریق پست کامپیوتری و فرستادن نامبر از همکارانم در خارج تقاضای مقاله و کتاب بکنم. به سبب کمک بزرگوارانه آنان به این موضوع و فرستادن چاپهای مستقل نوشته‌های سودمند، مایلم گرم‌ترین سپاسهایم را تقدیم این افراد کنم: بوزورث^۳ (پرت)^۴، بریان^۵ (تولوز)،

1. Fisher

2. Aby Warburg

3. A. B. Bosworth

4. Perth

5. P. Briant

برینکمن^۱ (شیکاگو)، کابت^۲ (پاریس)؛ کوردوبا^۳ (مادرید)، انگلاند^۴ (لس آنجلس)، هرینک^۵ (جنت)، هانگر^۶ (وین)، یورسا^۸ (وین)، کالنسکی^۱ (پاریس)، کوهرت^{۱۱} (لندن)، مگی^{۱۱} (سیدنی)، میشلوسکی^{۱۲} (آن آربر^{۱۳})، موری^{۱۴} (آکسفورد)، نیسن^{۱۵} (برلین)، سانسکی-سی-ویردنبورگ^{۱۶}، (گرونینگن)، اشمیت^{۱۷} (ساربروکن)^{۱۸}، استولپر^{۱۹} (شیکاگو)، تیکسیدور^{۲۰} (پاریس)، وستن-هولز^{۲۱} (بیت المقدس). در پایان آثار منتشر شده‌ای باقی است که مایل به مراجعه به آنان بودم اما دور از دسترس بودند. در این کار به اظهار نظر جناب هنری بر درباره پژوهشگرانی دلخوشم که «نمی‌توانند به علم بیندیشند مگر در چهارچوب پژوهشی دقیق در جزئیات و آنان که به سبب بی‌کرانه بودن جزئیات، این پژوهش‌شان را فقط برای دیدن هدفی پیش می‌برند که در برابرشان رنگ می‌بازد» (ترجمه ۱۳۳: Keylor, 1975). شاید خوب هم باشد که در مورد ایلام نمی‌توانم به هر چیزی که دلم می‌خواهد رجوع کنم.

1. J. A. Brinkman
2. A. Caubet
3. S. Cordoba
4. R. K. Englund
5. E. Haerinck
6. Gent
7. H. Hunger
8. M. Yursa
9. P. Kalensky
10. A. Kuhr
11. P. Magee
12. P. Michalowski
13. Ann Arbor
14. P. R. S. Mooney
15. H. J. Nissen
16. Sancisi-Weerdenburg
17. R. Schmitt
18. Soarbrücken
19. M. W. Stolper
20. J. Teixidor
21. J. Westenholz

خانم میشل زیولکوسکی^۱ نامزد اخذ دکتری در باستان‌شناسی خاور نزدیک در دانشگاه سیدنی نقشه‌های توزیع مکانها را تهیه کردند که همراه هر یک از فصلهای مهم می‌آید، و مایلم صمیمانه‌ترین سپاسم را نسبت به او ابراز دارم که ساعت‌های طولانی وقت صرف با عدد نشان دادن خطوط منحنی ترازها کرد که سرانجام به خلق آنها انجامید. اگر محل مکانها درست نیست، خطا از من است. همچنین سپاسهای خالصانه‌ام را از آقای الکس استفنس^۲ نامزد اخذ دکتری در ادبیات یونان و روم باستان در دانشگاه سیدنی بیان می‌کنم که برای ترجمه دقیق متون یونانی شوش به انگلیسی ایشان را استخدام کردم (جدول ۱-۱۰).

نوشتن کتاب یک کار است و انتشار آن کاملاً کار دیگری است. مایلم از پرفسور نورمن یوفی^۳ (آن آربر) و دیگر اعضای هیئت نشر مجموعه‌های باستان‌شناسی جهان کمبریج سپاس‌گزاری کنم که انتشار این کتاب را زمانی که فقط طرح ناقصی با چند کتاب‌شناسی بود پذیرفتند و هنگامی که معلوم شد چیزی غیر از آن است که در آغاز از من انتظار داشتند، از چاپ آن حمایت کردند. از خوانندگان پیش‌نویس اولیه، پرفسور استولپر (شیکاگو)، پرفسور کارتر^۴ (لس آنجلس)، پرفسور یوفی (آن آربر) و آقای کامیار عبدی (آن آربر) که نظرها و پیشنهادها بسیار جامعی برای بهبود متن ارائه دادند، صمیمانه سپاس‌گزارم. من از همه اظهار نظرهای آنان قدردانی کرده بر اساس آنها تغییرات زیادی در متن داده‌ام. گذشته از این، از جسیکا کوپر^۵، از انتشارات دانشگاه کمبریج، به سبب شکیبایی و حسن نیتش صادقانه تشکر می‌کنم. خانواده‌ام می‌دانند که با اهدای این کتاب به آنان از حمایتشان بیش از آن قدردانی کرده‌ام که کلمات قادر به بیانش باشند. امیدوارم از این واقعیت که ایلام تا حدی بیش از آنچه می‌خواستند وارد زندگی‌شان شد پشیمان نباشند.

در آخر می‌خواهم به جای ایلام سخنی درباره ایران داشته باشم. برای شروع

1. Michele Ziolkowski

2. Alex Stephens

3. Norman Yoffee

4. E. Carter

5. Jessica Kuper

باید از دو استادم در دانشگاه هاروارد تشکر کنم که تأثیرشان گرچه غیرمستقیم در صفحات این کتاب نمایان است، به طرق بسیار متفاوتی زمانی که دانشجوی بودم بذریعۀ علاقه‌همیشگی به ایران را در وجودم کاشتند. سی. سی. لمبرگ کارلوسکی مرا با ایران و باستان‌شناسی ایران آشنا کرد. دو فصل حفاری به یاد ماندنی در تپه یحیی به سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ علاقه‌ای دایمی به باستان‌شناسی ایران را در من شعله‌ور ساخت. ریچارد ان. فرای به من کیش پیش از اسلام ایران را معرفی کرد و برای نخستین بار به آگاهی من از میراث تاریخی، زبانی و معنوی ایران که به طرز باورنکردنی غنی بود، پروبال داد. انقلاب ایران به منزله توقف ارتباط فعال من با موضوع بود. اما در سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ توانستم به همراه همسر و گروهی از بنیاد باستان‌شناسی خاور نزدیک از دانشگاه سیدنی به ایران بازگردم. این دیدارها برای نخستین بار دیدار از شوش، چغازنبیل، هفت تپه، کول فرح و چندین محوطه ایلامی دیگر را برای من امکان‌پذیر کرد. پروانه ستاری و اعضای گردشگری پاسارگاد در تهران این سفرها را بسیار موفقیت‌آمیز ساختند و به خاطرآم آوردند که چرا بیشتر روزگار جوانی‌ام را با اندیشیدن به گذشته ایران سپری کرده‌ام.

بسیار مایۀ افتخار من است که از انی کابت^۱، مرمتگر کل بخش عتیقه‌جات شرقی موزۀ لوور سپاس‌گزاری کنم که با مهربانی اجازه نسخه‌برداری از بیست و پنج تصویر با نشان Musée du Louvre, Antiquités Orientales © را به من داد. بقیۀ عکسهای چاپ شده در این کتاب را نگارنده در دیدارهایش از ایران در سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ تهیه کرده است.